

تعبات که تا به اینست بوده باشد و چون معلوم شد که موت ضرورت
و حقیقت آن خلاصی نفس محرم شریف از تحمل بار بدن خالی است
و نبات طایر ملکوت از نفس قالب ناسوتی و محقق شد که قراگاه
نفس انسانی عالم دیگر است پس عاقل باید که یکسب عبادات سرمد
و لذات ابدی که کشیده حیوان صفت بآب علف سرفرونیاد
بلکه انسان صورت میل به عالم بالا کند و قوی جسمانی را تحصیل آید
لذات عقلی صرف نماید و بدین نشاء قطع تعلقی از علایق جسمانی
کرده بمقتضای موت و اقبل ان موت و اموت ارادی بود تا چون
موت طبیعی در رسید از مصی زمان و مکان سبعت اعلیٰ علیین
قدس رب العالمین و مقصد صدق که مستعرا نیا صدیقین
اشغال نماید و یکیات طبیعی ابدی فایز گردد چنانچه افلاطون گفت
موت بالا را دینی باطنیه **نظم** خرم از در کزین منزل ویران دوم
راحت جان طلبم و زنی جانان دوم بهوای لب او دره صفت
رفیق کنان **مقاله** چشمه خورشید درخشان بودم ایستاد
امراض قوت دفع امام اضر قدرت جذب نیزه از خیز افراط

یا از

یا از خیز تقریظ یا از ردا است کیفیت در تحت سر کلاه بسیار است
لیکن جو فزترین آن چهار است اول افراط شهوت و دوم جملات
سیوم حزن چهارم حسد پس در علاج ایشان بر وجه اختصار
لایق نمود **علاج** افراط شهوت اگر با کولات و مشروبات
ملاحظه ردالت آنها و خست شرکات و تعبات و مفاسد مترتبه بر آن
باید نمود مثل جوانی مذلت و سقوط حشمت و زوال مهابت و مکرر
و مکرر زدنیت از فتور فطنت و ظهور ملاوت و حدودت مردوغ
از علت که بحسب قواعد طبیی بران مرتب میشود چنانچه اطباء گفته
نشاء و امراض افراط در اکل و شرب است و حضرت اصدق العالمین
فرموده کلوا فی بعض بطنکم تقوا و در حدیثی دیگر فرموده البطنه راس
کل داو و اگر بنا بر شنبه باشد باید که معانی سابقه ملاحظه نمایند
که اعظم اسباب ضعف بدن فساد عقل و نقصان عمر و تلف
مال و محرم برنا کجاست و امام محمد الاسلام ابو حامد محمد غزالی
علیه الرحمه من الملک المتعالی تشبیه این شهوت بعاقلی کرده است
که اگر سلطان او را مطلق العنان گذارد و بر اموال رعیت سبقت